پنجشنبه 03 اسفند 1396 - 00:01

روز شمار تاریخ

پنجشنبه3اسفند1396-5جمادی الثانی 1439-22فوریه 2018

آغاز عملیات بزرگ خیبر در منطقه هورالهویزه و شمال بصره (1362 ش)

آغاز عملیات بزرگ خیبر در منطقه هورالهویزه و شمال بصره (1362 ش)

عمليات بزرگ خيبر با رمز يا رسول‏اللّه در جبهه جنوب، هورالهويزه و شمال بصره در وسعت تقريبي 200 كيلومتر مربع با هدف تصرف و تامين جزاير مجنون و بخشي از هورالهويزه از سوم اسفند 62 آغاز شد و تا بيست و دوم اسفند به طول انجاميد. در اين عمليات، رزمندگان اسلام در ابتدا با ورود به جزاير مجنون، از اصل غافل‏گيري و سرعت بهره گرفته و تعدادي از يگان‏هاي مستقر در جزيره را به هلاكت رساندند. در ادامه با فشار بي‏امان سپاه توحيد، دشمن بعثي كيلومترها به عقب رانده شد و نيروهاي اسلام با يك حركت حماسي و باور نكردني براي دشمن، رودخانه دجله را پشت سر گذاشتند. در روزهاي بعد، رزمندگان اسلام در حالي كه دشمن به شدت از گلوله شيميايي استفاده مي‏كرد، با وارد ساختن ضربات سنگين، موفق به پيشروي شده و بعثيان را به عقب راندند. با گذشت دو هفته از شروع عمليات، رزمندگان اسلام موفق شدند تا موقعيت مناطق آزاد شده، از جمله جزاير مجنون را تثبيت كنند و ابتكار عمل را به دست گيرند. اين عمليات سرانجام پس از 19 روز نبرد سنگين با نتايج زير پايان يافت: تلفات نيروي انساني دشمن: 1140 نفر اسير و 15000 نفر كشته و زخمي؛ ساير نتايج: به تصرف درآمدن منطقه‏اي به وسعت بيش از 1180 كيلومتر مربع، از جمله جزاير مجنون؛ تجهيزات و امكانات: تانك و نفربر: 330 دستگاه انهدامي، 42 دستگاه اغتنامي، هواپيما: 6 فروند انهدامي، دستگاه مهندسي: 60 دستگاه اغتنامي، خودرو: 200 دستگاه انهدامي. عمليات بزرگ خيبر با دستاوردهاي ارزشمند، از جمله عمليات‏هاي موفق رزمندگان اسلام محسوب مي‏شود، به نحوي كه عراق را مجبور به استفاده گسترده از سلاح‏هاي ممنوعه شيميايي كرد. با تصرف جزيره مجنون، يكي از حوزه‏هاي مهم نفتي در اختيار رزمندگان اسلام قرار گرفت و دشمن را در باز پس‏گيري آن ناكام گذاشت.

روز تجلیل از اسرا و مفقودین

پايداري و بردباري، دو ويژگي مهم ايثارگران و به ويژه آزادگان بود. يكي از آزادگان سرافراز در اين زمينه مي گويد: <در يكي از شب ها كه مشغول نوشتن حديثي از پيامبر اكرم(ص) بودم، ناگهان نگهباني عراقي به آسايشگاه ما آمد. با ديدن من كنجكاو شد و به سويم آمد و پرسيد چه مي نويسي؟ جواب ندادم. خودش كاغذ را گرفت. نوشته شده بود پيامبر خدا (ص) فرمود: <بدترين مردم كسي است كه مردم از ترس او را احترام كنند. با حالت غضبناك مرا نگاه كرد و بعد سيلي محكمي به صورتم نواخت و سوزني را در زبانم فرو كرد. در حالي كه از شدت درد به خود مي پيچيدم، در اين فكر بودم كه اين جنايتكاران مي توانند شقاوت و بي رحمي را تا حد ممكن برسانند، ولي آن ها نمي دانستند كه ما زمزمه با دوست بودن را از خود جدا نمي كنيم و صبر و پايداري را پيشه خود قرار مي دهيم تا پيروز و سربلند از اين آزمايش بيرون بياييم.

رحلت "ابوالحسن مهيار بن مرزويه ديلمي" شاعر و كاتب مشهور قرن پنجم(428 ق)

مهيار ديلمي، توسط سيدرضي از آيين زرتشت به دين مقدس اسلام روي آورد و مدتي نيز نزد سيدرضي به تحصيل علم و ادب مشغول بود. وي اشعار بسياري درباره‏ي مناقب اهل بيت سروده و گفته مي‏شود كه از تمامي شعراي عصر خود مقدم بوده است. ديوان اشعار مهيار ديلمي چهار جلد مي‏باشد.

وفات "بن ابي الحديد" متكلم و فقيه بزرگ مسلمان و شارح نهج البلاغه(656 ق)

عزالدين ابوحامد عبدالحميد بن هبةُ اللّه معروف به ابن ابي الحديد، اديب، متكلم، فقيه، شاعر و نويسنده‏ي بزرگ مسلمان در سال 586 ق در مدائن به دنيا آمد و از حدود پانزده سالگي در محضر عالمان مشهور بغداد حضور يافت. عزّالدين در بغداد به قرائت كتب و اندوختن دانش پرداخت و در محافل ادبي و علمي شركت جست به طوري كه در زمره‏ي عالمان روزگار درآمد. ابن ابي الحديد در شعر طبعي رسا داشت و در انواع مضامين، شعر مي‏گفت ولي مناجات و اشعار او در عرفان مشهورتر است. در حمله‏ي مغولان به بغداد اسير شد اما با وساطت برخي از بزرگان اين شهر آزاد گرديد و از مرگ نجات يافت. مهم‏ترين اثر ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه است كه مجموعه‏اي گردآوري شده از سخنان امام علي(ع) است. ابن ابي الحديد دراين كتاب، عظمت نهج البلاغه را به لحاظ ادبي، تاريخي و كلامي آشكار و عرضه كرده است. با اين كه گرايش به تشيع در شرح نهج‏البلاغه زياد است، مطالبي نيز در آن يافت مي‏شود كه با عقايد عمومي شيعه درباره‏ي مسايل امامت و مسايل تاريخي مربوط به آن، سازگار نيست. هر چند ابن ابي الحديد در حمله‏ي هلاكوخان مغول به بغداد به واسطه‏ي شفاعت خواجه نصيرالدين طوسي و علماي بغداد از مرگ رهايي يافت ولي روزگاري نپاييد و اندكي بعد در هفتاد سالگي در همان شهر درگذشت.

درگذشت شاعر و عارف شهير "جلال الدين محمد بلخي" معروف به "مولوي" (672 ق)

جلال الدين رومي در سال 604 ق در بلخ متولد شد. شهرتش به روم به سبب طول اقامت او در قونيه واقع در

تولد "جورج واشينگتن" اولين رئيس‏جمهور و باني استقلال امريكا (1732م) (ر.ك: 14 دسامبر)
جورج واشینگتن (به انگلیسی: ۱۷۳۲-۱۷۹۹) (George Washington) از رهبران انقلاب آمریکا و نخستین رئیس جمهور آمریکا بود که این سمت را از سال ۱۷۸۹ تا سال ۱۷۹۷ در دست داشت. او از مهم ترین چهره های تاریخ ایالات متحده است. نقش او به خصوص در کسب استقلال برای مستعمرات آمریکایی و سپس متحد کردن آن ها زیر پرچم حکومت فدرال ایالات متحده قابل توجه است. او از گروهی از مردم مسلح به کمک دولت های فرانسه و اسپانیا ارتش بزرگی ساخت که نهایتا موفق به شکست نیروهای بریتانیایی در جنگ انقلاب آمریکا (۱۷۸۳-۱۷۷۵) شدند.
تولد "آرتور شوپنهاور" فيلسوف معروف و بدبين آلماني (1788م)
آرتور شوپنْهاور فيلسوف معروف آلماني در 22 فوريه 1788م در دانتزيك آلمان به دنيا آمد. او به خاطر مرگ زودهنگام پدر و بي‏توجهي مادر، داراي طبيعتي ناآرام، متزلزل و پر از سوءظن و عصباني بود. شوپنهاور در جواني با عقايد بودا آشنايی يافت و پس از تحقيق و تفكر زياد، به آيين بودايی اعتقاد كامل پيدا كرد. وي از آن پس مدتي به تدريس روي آورد اما چون كارش نگرفت آن را رها كرد و در سال 1819م كتاب معروف خود به نام جهان به صورت اراده و انديشه را، منتشر نمود. چون كتابش نيز مورد توجه مردم واقع نشد به سختي از مردم رنجيده خاطر شد و نسبت به اجتماع، بدبين گشت. از اين رو، سي سال آخر عمر را به تنهايی در گوشه‏اي به سر برد و به تفكر پرداخت. شوپنهاور از گوشه انزواي خود، جهان را نظاره مي‏كرد و نژاد بشر را توده‏اي از حيوانات نامطلوب مي‏ديد كه محكوم به زندگي پُرستيز و پررنج و بي‏اميد هستند. او معتقد بود كه حقيقت جهان، خواست و اراده است و شخص، آن گاه به وجود خود پي مي‏برد كه اراده بر انجام كاري كند. اصلْ در انسانْ اراده است و همه نيروها، انواعي از اراده هستند. او مي‏گفت: بياييد در اين باب نينديشيم كه چه داريم، بلكه بدان بينديشيم كه چه هستيم. بياييد به جاي آنكه صندوق‏هاي خود را پر كنيم، فكر خويش را پرورش دهيم. از اين بالاتر، بياييد اراده خود را براي غلبه و پيروزي بر ديگران فرو گذاريم. پيروزي را در درون خود بجوييم. چنين اراده‏اي به ما آرامشي مي‏دهد كه بالاتر از حد تصور است. آرامش كامل روح است. آن‏گاه فقط دانش و معرفت براي ما باقي مي‏ماند و اراده زايل مي‏شود. از سوي ديگر به عقيده شوپنهاور، اصل در زندگاني، رنج و گزند است و لذت و خوشي، همانا دفع آلم است. هر چه موجود جاندار در مرتبه حيات برتر باشد رنجش بيشتر مي‏باشد، چون بيشتر حس مي‏كند و آزار گذشته را بيشتر به ياد مي‏آورد و رنج آينده را بهتر پيش‏بيني مي‏كند. شوپنهاور اعلام مي‏دارد كه جنگ، اصل همه شرها در زندگي دردآلود ماست و در دنياي ديگر، درد و رنجي بزرگ‏تر از آن چه در اين دنيا هست وجود ندارد. پس چاره نجات از اين دوزخ جهاني اين است كه از جنگ و جدال باز ايستيم و زندگي خود را با انديشه‏هاي فلسفي مورد تأمل قرار دهيم، چرا كه چاره ما در ثروت نيست بلكه در حكمت است. شوپنهاور به عنوان فيلسوفي بدبين، زندگي را سراسر رنج و عذاب مي‏داند و آن را به مرگي تشبيه مي‏كند كه دم‏به‏دم به تاخير مي‏افتد، سرانجام در حالي اجل مي‏رسد كه آدمي سودي از حيات خويش نبرده است. مذهب شوپنهاور، اصالت تصور و وحدت وجود بود و عقيده داشت كه جهان و هرچه در او هست، عوارض و حوادث و نمايش است و آن چه ما درك مي‏كنيم، مصنوع ذهن خودمان است. شوپنهاور نه به روح معتقد است نه به ماده، بلكه به جهان موجود علاقه دارد. وي علاوه بر آن كه، فلسفه را امري ضروري مي‏دانست، عقيده داشت كه فلسفه نبايد با جملات پيچيده آميخته گردد. انديشه‏ها و آثار شوپنهاور تا سال‏هاي متعدد، خواننده‏اي نداشت تا اين‏كه در اواخر عمر، اقبال مردم به وي افزايش يافت. آرتور شوپنهاور در تمام عمر، تنها زيست و در خانه‏اش را به روي همه بست. حوصله تحمل سروصدا را نداشت و بيشتر عمرش را در سكوت انديشه‏هايش گذراند تا اين كه سرانجام در 23 سپتامبر 1860م در 72 سالگي درگذشت.
تركيه‏ي امروزي است كه در آن زمان جزو قلمرو امپراتوري روم بوده است هرچند مولوي، خود را از مردم خراسان مي‏شمرد. پدرش بهاءالدين ولد، مدرس و واعظي خوش بيان و عرفان‏گرا بوده است. زندگاني مولانا بعد از سفرهاي مختلف، با آشنايی با شمس تبريزي صورتي ديگر گرفت. او پس از 16 سال همدمي با شمس، از او جدا شد و در آتش فراغ او سوخت. مولانا پس از آگاهي از اقامت شمس در دمشق فرزند خود را با جمعي از ياران در جست‏وجوي شمس فرستاد. عاقبت شمس دعوت وي را اجابت كرد و به قونيه آمد. اما نوبت اقامت شمس در اين دفعه كوتاه بود و پس از مدتي با رنجش خاطر از فتنه‏انگيزي حسودان، از قونيه برفت. از اين رو مولانا غزليات سوزناك‏تري سرود. مولوي سرانجام در 68 سالگي در قونيه بدرود حيات گفت و همه‏ي مردم و اهالي قونيه، حتي مسيحيان و يهوديان نيز در سوگ مولانا نشستند و زاري كردند. بارگاه او در قونيه به عنوان مزار يك روحاني و عابد و عالم رباني، مورد نذر و نياز است و مردم آن سامان ودوستداران وي، از اين ديدگاه، از خاك پاكش همت و مدد مي‏جويند. در ميان بزرگان ادب فارسي، مولوي پركارترين شاعر است و آثار فراواني دارد از جمله: مثنوي معنوي، غزليات شمس تبريزي، رباعيات، فيه مافيه، مكاتيب و محاسن شيعه. وي در نظر ايرانيان و بيشتر صاحب نظران جهان به نام عارفي بزرگ، شاعري نامدار، فيلسوفي تيزبين و انساني كامل شناخته شده است. پايگاه او در جهان شعر و شاعري چنان والاست كه گروهي او را بزرگ‏ترين شاعر جهان و دسته‏اي، مولوي را بزرگ‏ترين شاعر ايران و جمعي او را يكي از چهار پنج شاعر بزرگ ايران مي‏شمارند.